

شیر تیل

*Liza Esterhuysen
Andre Kieswetter
Nick Mulgrew*

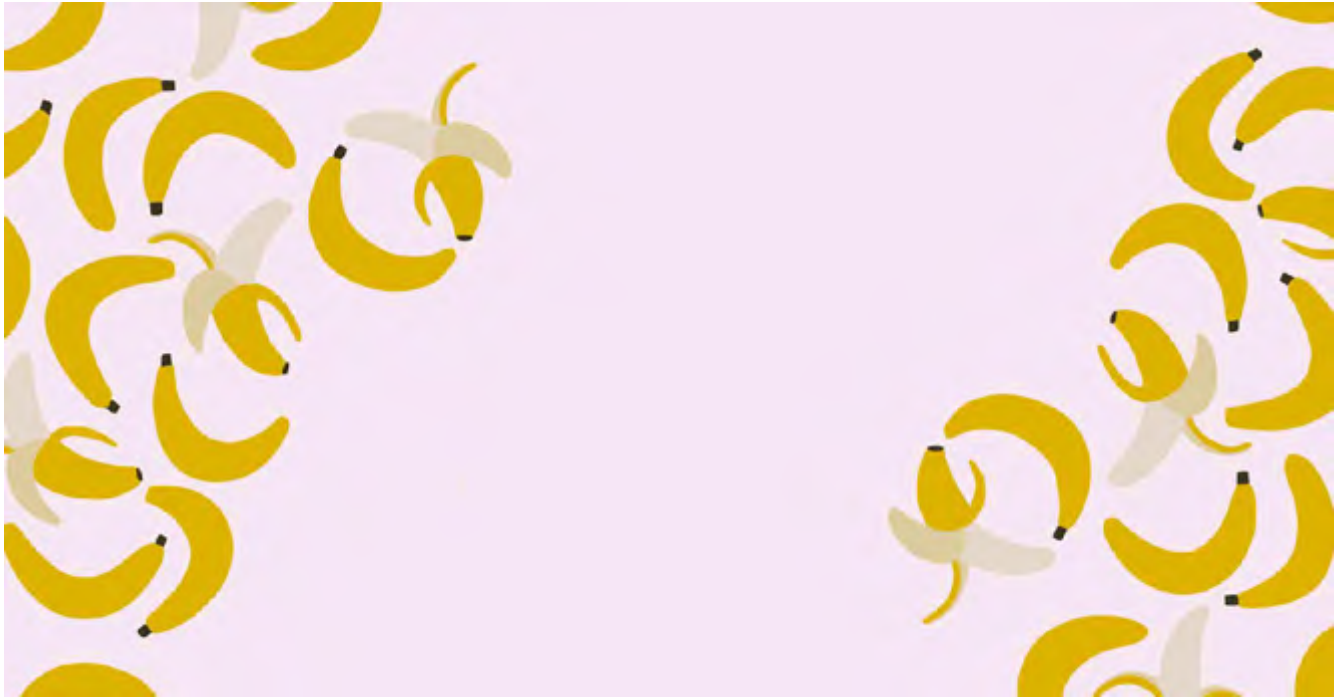


نویسنده : لیزا استرهوس

نقاشی : آندره کیزووتر

مترجم : مجید مردانی

گروه سنی : (۲ تا ۵ سال)



تقدیم به کودکان سرزمینم که آینده سازان این خاک پاک هستند



والدین گرامی این داستان را با استفاده از خلاقیت های گفتاری برای کودک دل‌بندتان بخوانید



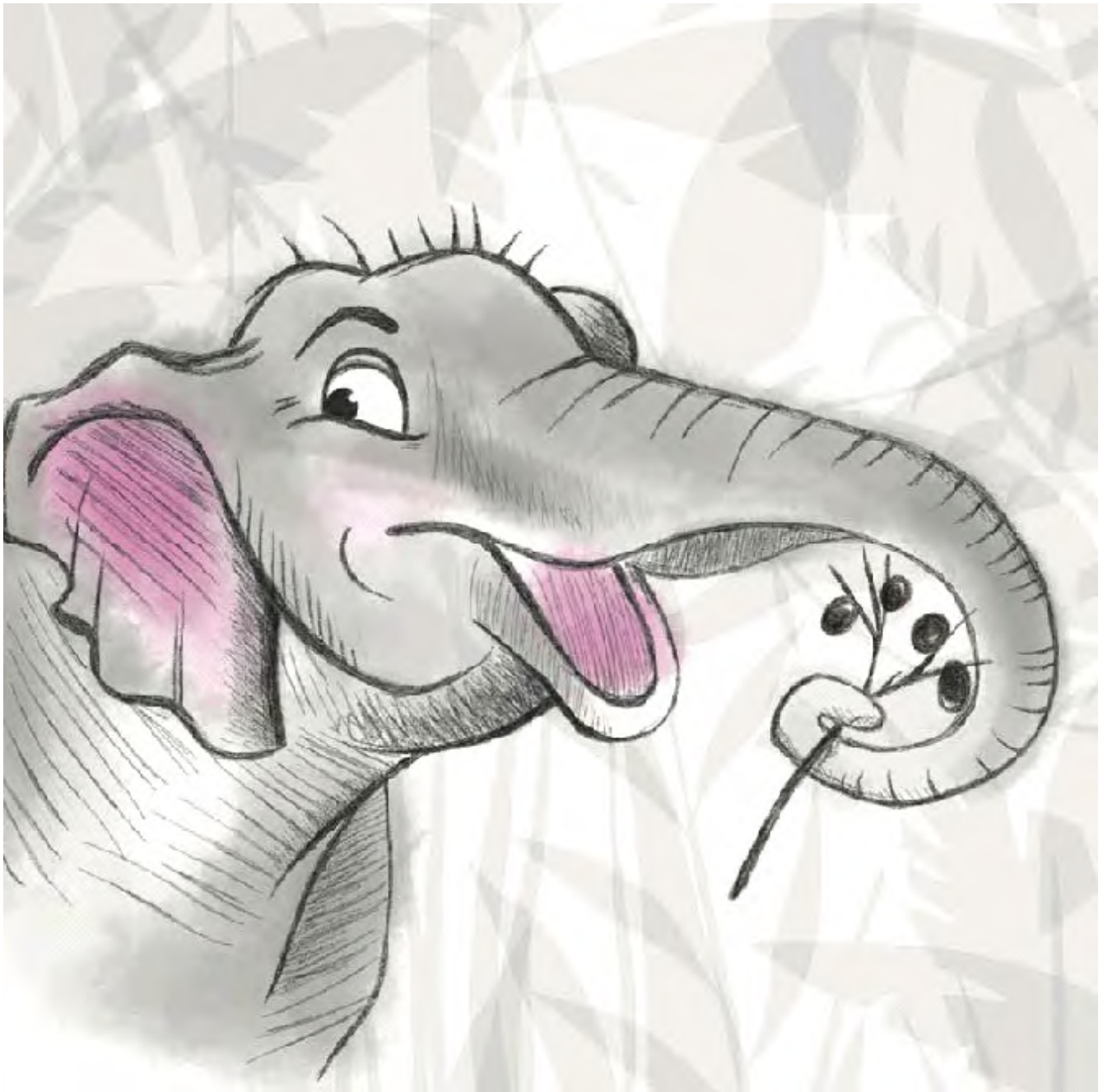
یک روز آفتابی دیگر در جنگل شروع شده بود .
همه ی حیوانات از لانه هایشان بیرون آمده و مشغول بازی بودند .



چیتا به شیر گفت : " آقا شیره بیا با هم بازی کنیم ؛ اگر می توانی مرا بگیر ! "

چیتا به سرعت دوید ؛ هو ، هو . . .

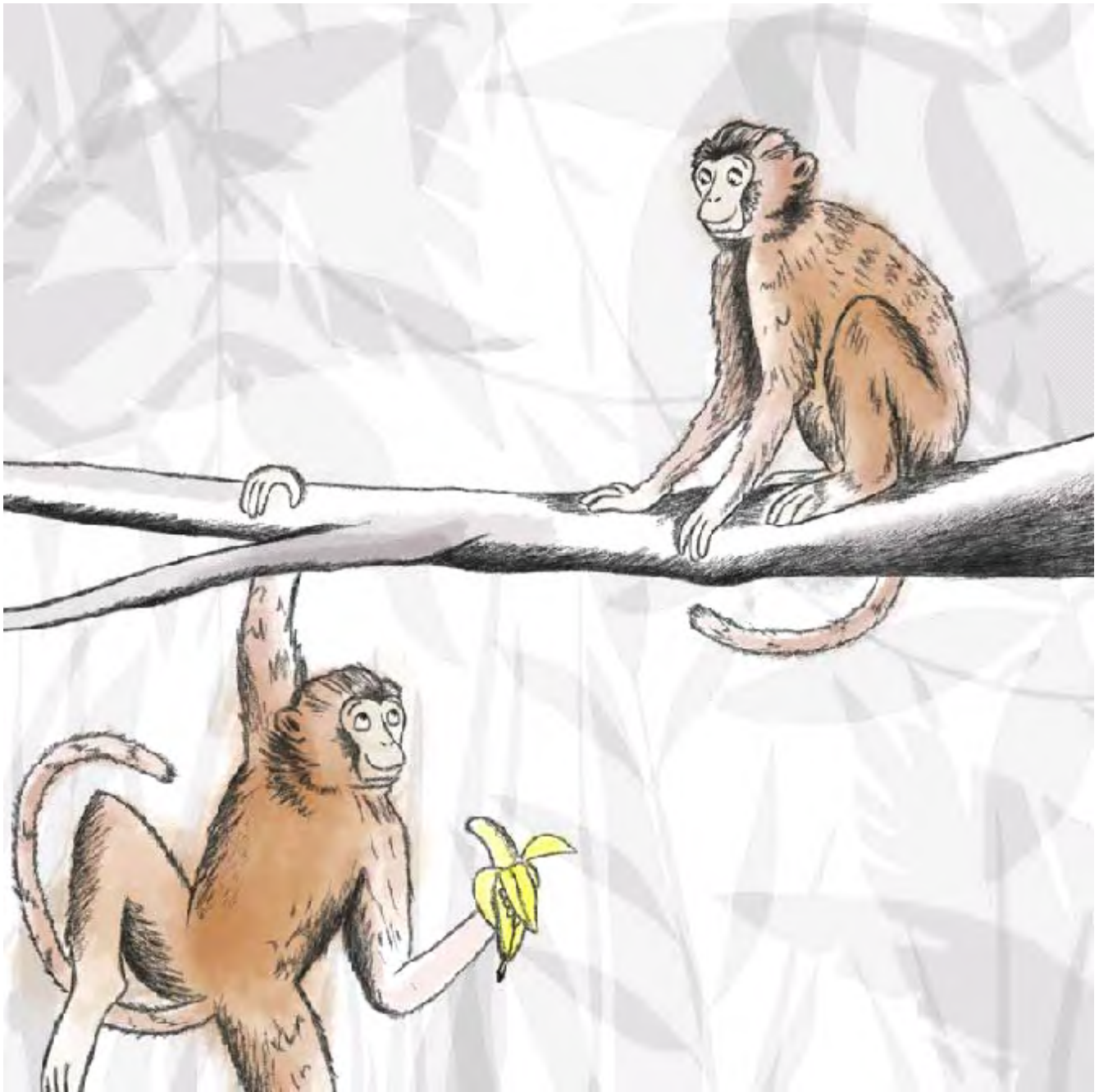
شیر گفت : " من با تو بازی نمی کنم ، برای اینکه به تو می بازم "



فیل گفت : " آقا شیره ، بیا با هم بازی کنیم ؛ می خواهی با هم سنگ پرتاب کنیم ؟ "

فیل یورتمه رفت ، کوپ ، کوپ ، . . .

شیر گفت : " من با تو بازی نمی کنم ، برای اینکه به تو می بازم "



میمون ها گفتند : " آقا شیره ، بیا با هم بازی کنیم ؛ هر کسی توانست موز بیشتری بخورد برنده است !! "

میمون ها از درخت بالا رفتند ، تاپ ، تاپ ، تاپ . . .

شیر گفت : " من با شما بازی نمی کنم ، برای اینکه می بازم "



غزال آفریقایی گفت : " آقا شیره بیا با هم بازی کنیم ؛ هر کسی بیشتر پرید ، برنده است ! "

غزال آفریقایی بالا پرید ، زوپ ، زوپ ، زوپ . . .

شیر گفت : " من با تو بازی نمی کنم ، برای اینکه می بازم "



کروکدیل گفت : " آقا شیره بیا با هم بازی کنیم ، با من مسابقه شنا می دهی ؟ "

کروکدیل پرید تو آب ، شلپ ، شلوپ . . .

شیر گفت : " من با تو بازی نمی کنم ، برای اینکه می بازم "

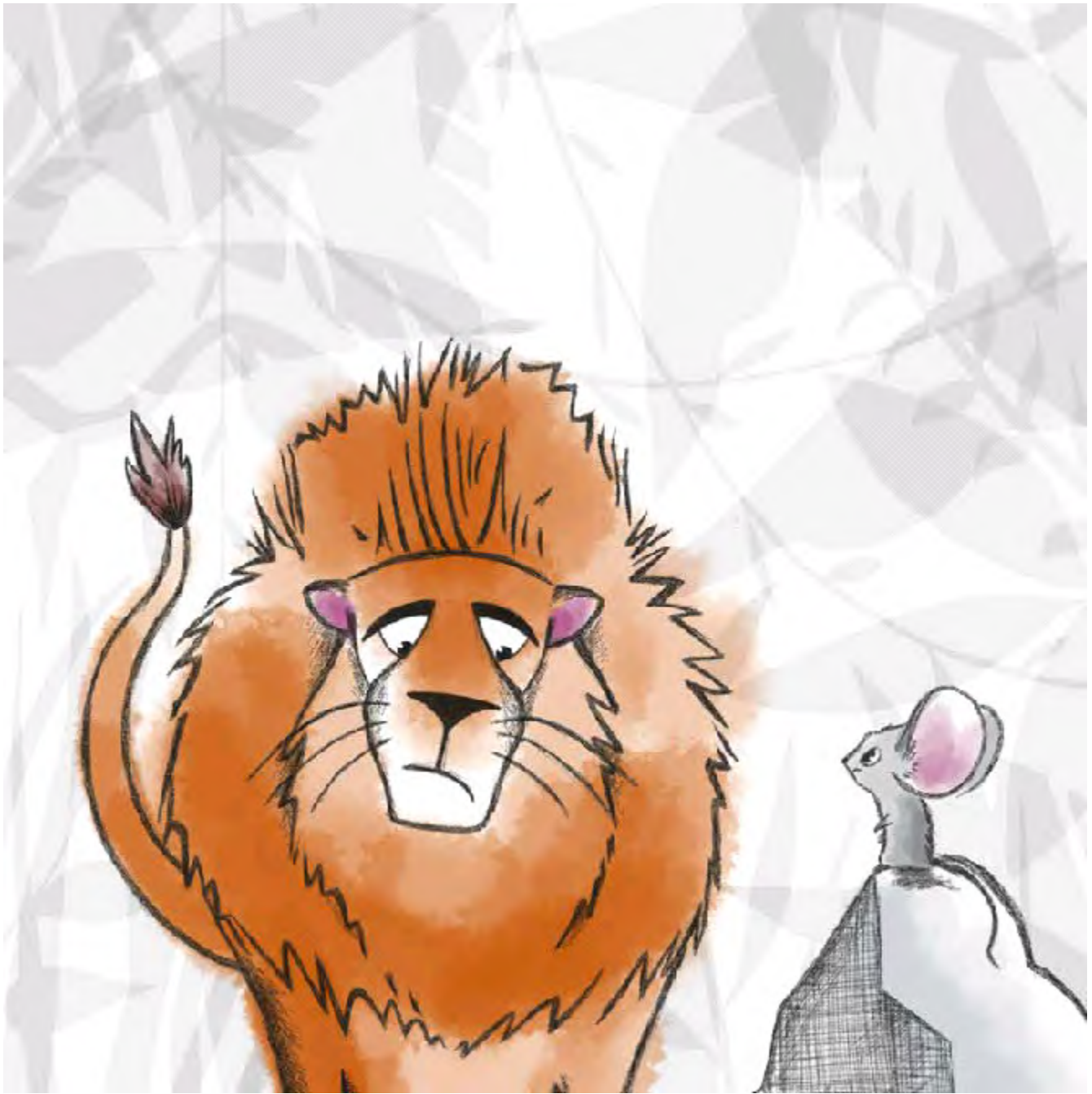


کروکدیل از فیل سریعتر بود ، ولی هر وقت می خواست از آقا فیله جلو بزند ؛ فیل او را
قلقلک می داد ، قاه ، قاه ، قاه . . .

فیل و کروکدیل پریدند توی آب و با هم مسابقه شنا دادند .



شیر غمگین و افسرده یک گوشه ای نشسته بود ، فیل و کروکدیل را نگاه می کرد .

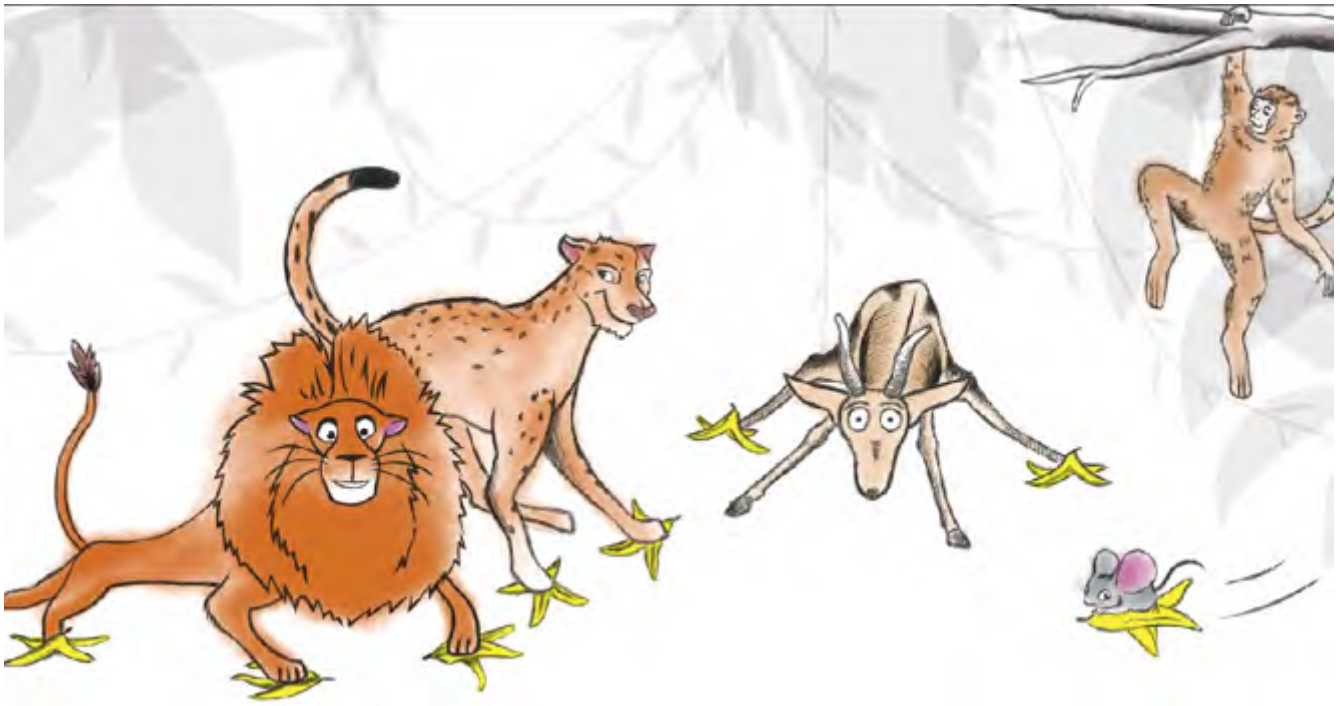


موش از شیر پرسید : " آقا شیره چرا ناراحت هستی ؟ "
شیر گفت : " نمی خواهم بازی کنم ، برای اینکه می بازم ! "





شیر پایش را روی یک پوست موز گذاشت ، لیز خورد و افتاد روی زمین !!



حیوانات همگی گفتند چه بازی خوبی ! و همه پاهایشان را روی پوست موزها گذاشتند و لیز خوردند ؛ آقا شیره هم این بازی را دوست داشت و خیلی خوشحال بود .



پایان

